حماسه جاوید جوشن

ناخدایکم جانباز عباس ملك
فرمانده ناوچه همیشه‌جاوید جوشن
پس از اتمام عمليات حفاظت از نفتكش‌ها، عازم پايگاه خود در منطقه يكم دريايي بندرعباس بوديم. حدود ساعت هفت صبح از طريق پايگاه به ما خبر دادند كه در نزديكي‌هاي جزيره كيش، ناوهاي آمريكايي به سكوهاي نفتي نصر و سلمان كه در جنوب غربي جزيره سيري قرار دارند، حمله كرده‌اند.
مدت زيادي نگذشت كه پنج يا شش فروند هواپيما و بالگرد در اطراف ناوچه ظاهر شدند؛ البته هواپيماها در سطح بالا پرواز مي‌كردند. در آن زمان حدود ۲۰ مايل از جزيره سيري دور شده بوديم و تقريباً ۳۰ تا ۳۵ مايل با سكوهاي «نصر» و «سلمان» فاصله داشتيم. در همين موقع يكي از بالگردها سعي كرد به ما نزديك شود. ما در اين شرايط سامانه‌اي به نام «گارد» داشتيم كه از طريق آن مي‌توانستيم با خلبان بالگرد تماس بگيريم، از همين طريق به او يادآور شديم كه طبق قوانين بين‌المللي و با توجه به شرايط جنگي منطقه و ناشناس بودن بالگرد، نمي‌تواند بيش از ۵ مايل به ما نزديك شود.
خلبان هم در پاسخ گفت: «من ناشناس نيستم، من بالگرد نيروي دريايي آمريكا هستم و به شما اخطار مي‌دهم كه ناوچه را متوقف و تمام افراد را به روي قايق‌هاي نجات منتقل كنيد!»
بعد از شنيدن پيام، بلافاصله آژير جنگ را به صدا درآوردم. در همين زمان متوجه شدم كه كسي برروي مدار مخابراتي، مرا با زبان انگليسي خطاب كرده و مي‌گويد: «من فرمانده ناوگان نيروي دريايي آمريكا هستم و به شما اخطار مي‌كنم كه متوقف شويد و كشتي را از نيروها تخليه كنيد!»
من هم در پاسخ وي با لحني جدّي گفتم: «اينجا خليج فارس است؛ من از شما دستور نمي‌گيرم و طبق مأموريتي كه دارم، بايد براي نجات افرادي كه بر روي سكو قرار گرفته‌اند، به سوي سكوهاي نفتي بروم. شما حق هيچ‌گونه دخالت در امور كشور ما را نداريد و بايد منطقه را ترك كنيد!»
در همين اوضاع و احوال، با ساير كاركنان مشورت كردم و با اينكه همه مي‌دانستند تنها هستيم و امكان ارتباط با رده فرماندهي هم نداشتيم و از هر طرف مورد محاصره آمريكايي‌ها قرارگرفته‌ايم، با كمال شجاعت گفتند: حاضرند تا پاي جان در مقابل آمريكايي‌ها ايستادگي و از كشتي حفاظت كنند.
در همين زمان يك نفر با بي‌سيم و به زبان فارسي گفت: «به شما دستور داده مي‌شود، شما اجرا كنيد. اگر شما تسليم شويد، آن دسته از افرادي كه مايل باشند، مي‌توانند با ما به آمريكا بيايند و ما در آنجا هر گونه امكاناتي كه خواسته باشند، به آنان خواهيم داد و آن دسته

از افراد هم که مایل به این کار نیستند، مي‌توانند به ایران باز گردند!» به طور صریح به آنان گفتم: «ما به مأموریت خود ادامه خواهیم داد.» در این شرایط، آمریکایي‌ها از متوقّف کردن ناوچه جوشن ناامید شدند و اوّلین موشك، بلافاصله بعد از آخرین مکالمه ـ حدود ساعت ۱۲/۳۰ـ به طرف ما شلیك شد و ما با سامانه‌هاي ضدموشکي که داشتیم، موفق شدیم موشك دشمن را حدود ۲۰۰ یارد از ناوچه منحرف کنیم. با نزدیك شدن اوّلین بالگرد به ناوچه، دستور آتش دادم که به لطف خداوند مورد اصابت قرار گرفت و سقوط کرد. با مشاهده این صحنه، سایر بالگردها از ناوچه فاصله گرفتند و هواپیماهایي که در اطراف‌مان بودند، فاصله خود را با ما بیشتر کردند.

اندکي بعد آنها دوّمین موشك خود را به سوي ما پرتاب کردند. با مشاهده موشك، دستور شلیك به سوي موشك را دادم، ولي به خاطر سرعت بالایي که موشك آنان داشت، عملا دفاع بي‌نتیجه ماند و موشك دشمن به بدنه ناوچه اصابت کرد. از بین چهار لانچر پرتاب موشك گذشت و در موتورخانه منفجر شد. در آن انفجار ۲۵ ترکش به بدن من اصابت کرد.

بي‌درنگ به پل فرماندهي رفتم تا اوضاع ناوچه را بررسي کنم. مي‌خواستم با اتاق مخابرات تماس بگیرم که دیدم تماس قطع است. اتاق عملیات را امتحان کردم، تمام خطوط ارتباطي قطع شده بود. با بررسي اوضاع فهمیدم که موتورخانه هم از کار افتاده است.

سوّمین موشك که از نوع استاندارد بود، به سوي ما شلیك شد. رزمندگان ناوچه جوشن با اجراي آتش سعي در انهدام آن داشتند، ولي موفق نشدند و موشك به پل فرماندهي اصابت کرد و من و چند نفر از نیروها به داخل آب پرتاب شدیم.

بلافاصله موشك‌هاي چهارم و پنجم هم به ناوچه اصابت کرد و دود و آتش آن را فرا گرفت. به رزمندگاني که روي ناوچه باقي‌مانده بودند، گفتم تا خود را داخل آب بیندازند. تعدادي از نیروها که هنوز رمقي در تن داشتند به همرزمان خود کمك مي‌کردند تا به داخل آب بپرند، امّا آنهایي که شهید شده بودند با ناوچه جوشن در آغوش آب‌هاي خلیج همیشه فارس آرام گرفتند تا همچون ستاره‌اي درخشان چون ناوچه جوشن براي همیشه بر تارك تاریخ این مرز و بوم بدرخشند.

بعد از ۶ یا ۷ ساعت شناور بودن بر روي آب، سرانجام نزدیك غروب آفتاب، یکي از بالگردهاي نیروي دریایي محل‌مان را پیدا کرد و به همراه یك فروند هاورکرافت براي نجاتمان اقدام کرد.

آن لحظات برایم غیرقابل تکرار بود و از آن زمان تاکنون با خود عهد بسته‌ام تا نگذارم یاد و خاطره شهداي ناوچه جوشن و حماسه جاودان رزمندگان متعهد و غیور این ناوچه از اذهان ملت زدوده و یا به فراموشي سپرده شود.

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.